

متن پرسش

با عرض سلام خدمت استاد گرامی: استاد در مورد جنگ اخیر غزه یورگن هابرماس به عنوان بلا نسبت یک متفکر که نظراتش در جهان غرب مطرح است اظهاراتی داشت که می‌شود این اظهارات را حمایت تلویحی از جنایات رژیم سفاک، کودک کش و غاصب صهیونیستی تلقی کرد مبنی بر اینکه هدف رژیم صهیونیستی صرفاً دفاع از خود است و مرتکب نسل کشی نشده است! با توجه به اینکه این اظهارات نه از زبان یکی از رجل سیاسی غربی بلکه از زبان یک متفکر محیط در حوزه فلسفه گفته می‌شود سؤال اینجاست که: تفکر در جهان غرب به چه روزی افتاده است که چیزی که فطرت پاک هر انسان آزاده ای ولو عامی و بدون سواد فلسفی و سیاسی می‌تواند در آینه غزه ببیند و حق را از باطل بخوبی جدا کند چرا یک متفکر مطرح در غرب از دیدن آن عاجز است؟! آیا این مصداقی از عاجز بودن فلسفه غرب و تفکر منقطع از وحی در حل مسائل حیاتی بشریت نیست؟ با نظر به سخنان اخیر رهبری مبنی بر نیاز شدید بشریت به تدبر و عمل به معارف قرآنی در جهان کنونی خواستم نظر استاد ارجمند را جویا شوم. با التماس دعا از جنابعالی

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: وقتی انسان نتوانست حق را از باطل تشخیص دهد و گرفتار تحلیل‌های سکولار شد، چه آن شخص هابرماس باشد و چه زیدآبادی و چه صادق زیباکلام؛ به راحتی تحت تأثیر ملاکهای اراده معطوف به قدرت قرار می‌گیرد و عملاً متوجه اراده معطوف به حق که در میدان مبارزه غزه ملاحظه می‌شود، نخواهند بود و اتفاقاً همین امر، شروع افول و سقوط جهان مدرن را پیش می‌آورد. موفق باشید